

آثار فقدان بکارت بر عقد نکاح: قانون چه می گوید؟

Photo: Stakhov Yuriy/Bigstockphoto.com

محمد اولیایی فرد، پژوهشگر حقوقی

خانه‌امن: ارزش‌های جامعه در حال تغییر است. تغییر این ارزش‌ها، الزاما به معنی تغییر در قوانین نیست. حداقل می‌توان گفت اختلاف زمانی زیادی میان تغییرات اجتماعی و تغییرات حقوقی وجود دارد. بروز دسته‌ای از خشونت‌ها در خانواده‌های ایرانی به دلیل همین عدم هماهنگی میان ارزش‌های امروز جامعه و قوانین کشور است. محمد اولیایی فرد، پژوهشگر حقوقی، به بررسی قوانین ایران در حوزه بکارت پرداخته است. شناخت دقیق قوانین از قدم‌های اول، برای اصلاحات قانونی است.

در این نوشته به این سوالات پاسخ داده می‌شود.

آیا قانون برای دختر بکره نسبت به دختر غیربکره در خصوص عقد نکاح، امتیاز ویژه‌ای در نظر گرفته است؟ غیربکره بودن زوجه، چه تاثیری بر عقد نکاح خواهد داشت؟ آیا زمان اطلاع شوهر از غیربکره بودن زوجه از دیدگاه قانون اهمیت دارد؟ آیا شوهر می‌تواند به بهانه غیربکره بودن زوجه، به همسر خود هرگونه تهمتی بزند؟ آیا سکوت دختر در صورت فقدان بکارت یا ترمیم پرده بکارت، فریب در ازدواج محسوب می‌شود؟

بررسی دو پرونده

در پرونده اول، نیوشا در مورد مشکل خود چنین می‌گوید: با همسرم فرهاد در شرکت پدرم آشنا شدم او معاون پدرم در شرکت بود و سال‌ها برای پدرم کار می‌کرد. مدت‌ها بعد از آشنایی من با فرهاد، او رسماً مرا از پدرم خواستگاری کرد و پدرم با توجه به شناختی که از فرهاد داشت و با اطلاع از علاقه‌ای که من به فرهاد داشتم، با ازدواج ما موافقت کرد. قرار شد من و فرهاد مدتی با هم نامزد باشیم و بعد ازدواج کنیم.

در یکی از روزهای نامزدی، من بزرگ‌ترین راز زندگی‌م را به فرهاد گفتم، به او گفتم که قبلاً با پسری دوست بودم و با او رابطه جنسی داشتم و غیربکره هستم، به فرهاد گفتم که می‌تواند در ازدواج با من تجدید نظر کند ولی من باید واقعیت را به او می‌گفتم تا در آینده عذاب وجدان نداشته باشم. فرهاد با خوشرویی تمام از صداقت من استقبال کرد و گفت که آنقدر عاشق من هست که غیربکره بودن من برای او اهمیتی نخواهد داشت و از من خواست تا این ماجرا را تا آخر عمر فراموش کنیم. من از برخورد فرهاد با این موضوع خیلی خوشحال شدم و علاقه مرا به او دو چندان کرد.

با سپری شدن دوران خوش نامزدی، من و فرهاد با هم ازدواج کردیم اما اکنون که دو سال از زندگی مشترک ما گذشته، فرهاد موضوع غیربکره بودن مرا پیش کشیده و قصد جدایی دارد.

جدا از اینکه من عاشق فرهاد هستم و جدایی از او برایم قابل تحمل نیست اما اینکه فرهاد می‌خواهد به دلیل غیربکره بودن از من جدا شود در حالی که من صادقانه موضوع غیربکره بودنم را قبل از ازدواج با او در میان گذاشتم، بیشتر مرا عصبی و ناراحت می‌کند. حالا من نمی‌دانم آیا با وجودی که فرهاد قبل از ازدواج از موضوع غیربکره بودن من اطلاع داشته باز هم می‌تواند قانوناً به این بهانه از من جدا شود؟

در پرونده دوم صبا در مورد مشکل خود چنین می‌گوید: سال‌ها پیش در یک رابطه جنسی پرده بکارتم را از دست دادم اما آن را با عمل جراحی ترمیم کردم، اکنون خواستگار خوبی برایم پیدا شده و نمی‌خواهم او را از دست بدهم اما نمی‌دانم اگر موضوع ترمیم پرده بکارتم را به خواستگارم نگویم آیا او می‌تواند بعدها به دلیل کتمان حقیقت از من جدا شود؟ آیا عدم ذکر شرط بکارت در عقد می‌تواند پنهان نمودن ترمیم پرده بکارتم را توجیه کند و مانع جدایی همسرم شود؟

مفهوم و ماهیت بکارت

مفهوم بکارت در موضوعات مختلف قانونی و مباحث فقهی تفاوت دارد. به عبارتی دیگر هرگاه موضوع بحث ضرورت اجازه پدر برای ازدواج دختر بکره باشد معنای خاصی از بکارت و ارائه ملاک‌های آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در موضوع بیان حکم ولایت پدر در نکاح دختر بکره ملاک عنوان بکره بر دختر، وقوع یا عدم وقوع دخول است و وجود پرده مخصوص بکارت در آن نقشی ندارد. پس ازاله (از بین رفتن) بکارت به واسطه غیر دخول، مانند ازاله به واسطه بیماری یا حوادث طبیعی و یا به وسیله انگشت و سایر اعضای بدن در این

موضوع، عنوان بکارت را ساقط نمی‌کند.

اما در موضوع باکره بودن زن در نکاح، معنای بکارت همان مفهوم عرفی حاکم در امر نکاح است و مقصود از باکره دختری است که هم دارای پرده بکارت باشد و هم سابقه نزدیکی را مطلقاً نداشته باشد چه از راه مشروع یا غیرمشروع و چه با رضایت و چه از سر اکراه.

در این معنا علاوه بر اینکه مفهوم باکره بودن به معنای داشتن پرده بکارت به واسطه عدم نزدیکی به عنوان یکی از صفات زن مورد خواستگاری جمع شده بلکه شامل معنای بکارت در مفهوم باکره تحت ولایت پدر نیز است.

بنابراین باکره بودن دختر به معنای داشتن پرده بکارت و عدم نزدیکی صفتی از نوع صفات کمال محسوب می‌شود یعنی صفتی است که اگر در زنی باشد، موجب برتری آن زن نسبت به زن‌های غیر باکره بوده و در نتیجه موجب افزایش میزان مهریه او خواهد بود. لذا به همین سبب است که در بحث تعیین مهرالمثل (مهر المثل به معنای تعیین مهریه زن مشابه مهریه زنان هم‌شأن و هم‌تراز و هم‌رتبه او است) یکی از صفاتی که مورد ملاک قرار می‌گیرد باکره یا غیر باکره بودن زوجه است. پس از آنجا که بکارت جز صفات کمال زن بوده، فقدان آن از جهاتی عیب محسوب شده و در تقلیل میزان مهریه مؤثر است.

ایجاد حق فسخ نکاح با تدلیس

این که فقدان بکارت به عنوان یک عیب به تنهایی و فی‌المنه می‌تواند موجب فسخ نکاح شود، به لحاظ شریعت محل بحث است. اما بر اساس موازین و اصول قانونی، استناد به فقدان بکارت تنها تحت یک عنوان می‌تواند در ایجاد حق فسخ نکاح اثر داشته باشد و آن موضوع تدلیس است.

تدلیس در لغت به معنای فریب دادن و نشان دادن چیزی برخلاف واقع است و در اصطلاح حقوقی به معنای عملیات یا توصیفی غیر واقعی است که موجب فریب یا اشتباه طرف مقابل عقد بشود. پس اگر در نکاح وجود بکارت در زن به طور صریح یا ضمنی در عقد، شرط شده باشد و پس از عقد، زن غیر باکره یافته شود برای زوج حق فسخ نکاح یا قبول عقد به همان صورت با مطالبه خسارت است که در اینجا میزان خسارت برابر با میزان دیه (ارش) زن باکره و غیر باکره است.

شرط بکارت

البته شرط بکارت در نکاح یا به صورت صریح است یا ضمنی، شرط صریح عبارت است از اینکه در عقد نکاح صراحتاً وجود بکارت شرط شده باشد، شرط ضمنی نیز یا به صورت تبانی است یا به صورت عرفی.

شرط ضمنی تبانی بدین صورت است که پیش از عقد نکاح باکره بودن زن مورد توصیف یا بحث قرار گرفته اما به هنگام عقد تصریح نشده. مانند آنکه هنگام خواستگاری درباره باکره بودن دختر صحبت بشود و عقد هم بر این اساس منعقد بشود هر چند صراحتاً در عقد ذکری از بکارت نشود. این شرط معتبر بوده و با استناد به فقدان آن شوهر حق فسخ نکاح را خواهد داشت ماده ۸۲۱۱ قانون مدنی نیز در اعتبار و تأیید این شرط مقرر می‌دارد «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده، برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود؛ خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبایناً بر آن واقع شده باشد.»

اما شرط ضمنی عرفی در بکارت بدین معناست که هر چند وجود بکارت در عقد صراحتاً شرط نشده و حتی پیرامون آن نیز بحث و صحبتی نشده، اما عرف جامعه با توجه به اوضاع و احوال و وضعیت دختر او را باکره محسوب می‌کند. در واقع باکره بودن دختر در چنین حالتی از الزامات و شروط عرفی نکاح است ماده ۵۲۲ قانون مدنی در تأیید و اعتبار شرط عرفی بیان می‌دارد «متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد، به منزله ذکر در عقد است» بنابراین مردی که برای بار اول به خواستگاری دختری می‌رود که سابقه ازدواج ندارد، به حکم عرف آن مرد به خواستگاری دختر باکره رفته است. پس در چنین حالتی حتی اگر بکارت صراحتاً یا متبایناً (بصورت قرار یا پیمان) در عقد شرط نشده باشد، فقدان آن موجب ایجاد حق فسخ نکاح برای شوهر می‌شود.

سکوت با فقدان بکارت و ترمیم بکارت

سکوت دختر با فقدان بکارت در حالی که وجود بکارت صراحتاً در عقد نکاح شرط شده یا بدون ذکر شرط مورد توصیف و تأیید قرار گرفته، یا چنانچه عرفاً ضمن عقد نکاح تلقی شود از موارد تحقق تدلیس می‌باشد.

پس اگر مردی به خواستگاری زنی برود که عرف حکایت از باکره بودن او می‌کند، سکوت زن نسبت به باکره نبودن تدلیس محسوب می‌شود. و شوهر حق فسخ نکاح را خواهد داشت همچنین ترمیم پرده بکارتی که در اثر دخول و نزدیکی پاره شده باشد، با عدم اطلاع زوج از این امر به سبب تدلیس موجب ایجاد حق فسخ نکاح برای شوهر می‌شود. اما اگر پارگی پرده، در اثر حوادث طبیعی، بیماری یا هر امر ناخواسته غیر از دخول و نزدیکی بوده باشد، ترمیم آن تدلیس محسوب نمی‌شود و سکوت دختر نسبت به آن موجب ایجاد حق فسخ

نکاح برای شوهر نمی‌شود زیرا آنچه مطلوب مرد است داشتن پرده بکارت و «بودن زن است که هر دو در اینجا واقع است».

شرایط و زمان فسخ عقد نکاح

اما برای تحقق شرایط فسخ نکاح از سوی شوهر در خصوص موضوع بکارت، وجود دو شرط لازم است، اول آنکه فقدان بکارت باید مسبق به پیش از عقد بوده باشد. بنابراین از آنجا که این احتمال وجود دارد که ازاله (ازبین رفتن) بکارت مابین زمان عقد تا زمان اطلاع شوهر از ازاله، حادث شده باشد، پس زوج مدعی محسوب می‌شود و باید ادعای خود را از طریق ارائه دلیل یا اقرار خود زوجه ثابت کند.

البته مرد به بهانه ارائه دلیل برای اثبات ازاله بکارت نمی‌تواند هیچگونه تهمتی متوجه زن نماید بلکه ارائه دلیل از سوی مرد باید تنها محدود به اثبات فقدان بکارت باشد.

دوم آنکه مرد پیش از عقد آگاه از وضعیت زوجه نبوده باشد؛ در غیر این صورت حق فسخ نکاح را نخواهد داشت زیرا در این شرایط او به وضعیت زوجه رضایت داده و عقد را با همان اوصاف واقع پذیرفته است. البته شوهر می‌بایست به محض اطلاع از فقدان بکارت زوجه، از حق فسخ خود استفاده کند در غیر این صورت تاخیر در این امر موجب سقوط حق فسخ شوهر می‌شود. در هر صورت تدلیس در نکاح علاوه بر ایجاد حق فسخ، موجب تحقق مسئولیت کیفری و اعمال مجازات نیز است.

منابع:

- ۱- محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده، مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۲- ذاکر حسین. هادی، «ماهیت، احکام و حدود نکاح منقطع.»
- ۳- سیمایی صراف، حسین، شرط ضمنی در عقد نکاح، بوستان کتاب قم.
- ۴- مقاله «تدلیس در ازدواج»، ماهنامه حقوقی دادرسی، شماره ۴۴.